

شرق

روزنامه

جست‌وجوی نان در میان زباله‌های آلوده به ویروس کرونا در دهلی نو، عکس: Adnan Abidi-Reuters



هزاران وعده

۲ ماه بعد از اعتراضات برای دسترسی به آب آشامیدنی

غیزانیه؛ آب‌رسانی با ۴۲ تانکر



گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید «عوفی» یکی از روستاهای غیزانیه است که حتی یک ساعت هم آب ندارد؛ چون اصلا شبکه توزیع آب ندارد. پیش‌ازاین صادق حقیقی‌پور، مدیر آب‌ای خوزستان، در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» اعلام کرده بود که با اجرای فاز اول آب‌رسانی مشکل آب‌رسانی تا ۸۰ درصد بهبود یافته و با اجرای فاز دو و سه به طور کامل حل می‌شود؛ اما دهیار عوفی می‌گوید که این تانکرهای سیاه و گروه‌های جهادی هستند که روزانه بین یک تا سه تانکر آب به عوفی با ۴۵ خانوار و بیش از ۲۰۰ نفر جمعیت می‌برند و بدون این تانکرها مردم هیچ آبی برای آشامیدن ندارند. آقای زرگانی درباره وعده‌های مسئولان برای آب‌رسانی به غیزانیه می‌گوید: «علما فقط به ما وعده دادند و حتی شبکه توزیعی وجود ندارد که اگر آب روستا رسید، بتواند آن را به خانه‌ها برسانند». عوفی از روستاهایی است که در فاز سوم آب‌رسانی غیزانیه قرار است به آن آب برسد. جعفر مجمدی، رئیس شورای اسلامی روستای نرزه و عضو

شبانروز است که با اتمام گام نخست این پروژه، شرکت آب و فاضلاب توانایی انتقال دست‌کم ۹ هزار و حداکثر ۱۷ هزار مترمکعب آب در شبانه‌روز از تأسیسات شبیان به ایستگاه پمپاژ صفیره را خواهد داشت و با اجرای گام دوم که عبارت است از ۲۸ کیلومتر خط انتقال آب بین صفیره تا نرزه، می‌توان تا ۱۷ هزار مترمکعب در شبانه‌روز به غیزانیه انتقال داد». ۲۱ خرداد هم وزیر نیرو گفت: بخش اول مسئله غیزانیه حل شده و بخش کامل و دائم آن هم با پایان تأیستان به انتها می‌رسد. با همه این حرف‌ها و وعده‌ها این فرمانده سپاه خوزستان بود که بیست‌وسوم خرداد سال جاری اعلام کرد آب هنوز به غیزانیه نرسیده و «عملاکار خاصی در غیزانیه انجام نشده است». این حرفی است که اهالی غیزانیه هم تأیید می‌کنند. آقای زرگانی، دهیار «عوفی»، یکی از روستاهای غیزانیه در

گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید «عوفی» یکی از روستاهای غیزانیه است که حتی یک ساعت هم آب ندارد؛ چون اصلا شبکه توزیع آب ندارد. پیش‌ازاین صادق حقیقی‌پور، مدیر آب‌ای خوزستان، در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» اعلام کرده بود که با اجرای فاز اول آب‌رسانی مشکل آب‌رسانی تا ۸۰ درصد خواهد شد؛ چراکه با اجرای این فاز آب به روستای نرزه که مرکز نقل روستاهای غیزانیه است، می‌رسد. او همچنین اجرای فاز سوم را عاملی برای قطع نیاز مردم غیزانیه به آب چاه‌های کم‌توله‌رامهرمز دانست و همچنین گفت که با اجرای فاز یک، چیزی نزدیک به ۲۸ روستا و ۱۳ هزار نفر مشکل آب‌شان تقریبا برطرف شد. آقای حقیقی‌پور همچنین درباره وضعیت روستاهایی که این روزها آب ندارند، گفت آب‌شان به کمک تانکرها تأمین می‌شود. او گفت سال گذشته به همه روستاهای غیزانیه با ۱۵ تانکر آب‌رسانی می‌شد که الان با همکاری گروه‌های جهادی، شرکت نفت، بنیاد برکت و دستگاه‌های دیگر با ۴۲ تانکر به روستاهای غیزانیه آب‌رسانی می‌شود.

زیر آسمان جهان

فیشر مستقل از ثابت هابل» شناخته می‌شود. جیمز شومبرت، استاد فیزیک این دانشگاه، گفت: مسئله مقیاس فاصله همان‌طور که مشخص است، بسیار دشوار است؛ زیرا مسافت کیهانشان با یکدیگر بسیار زیاد است و نشانگرها به اندازه کافی برای اندازه‌گیری مسافت‌های‌شان قوی نیستند و اندازه‌گیری دقیق آنها سخت است. ستاره‌شناسان با تعیین مسافت در یک محاسبه خطی از ۵۰ کیهکشان به‌عنوان راهنمایی برای سنجش مسافت ۹۵ کیهکشان دیگر، رویکرد تولی-فیشر را مجددا محاسبه کردند. شومبرت گفت: جهان با مجموعه‌ای از الگوهای ریاضی بیان‌شده ۹۵ درصدی رد کرد.

چیزهای ناروشنی از آهنگ‌ها و برنامه‌ها را به یاد دارم. داستان مزرعه‌ای و اردکی ز رنگ یا تسی‌تاکسی‌دو که هرگز شکست نمی‌خورد و وقتی گرفتار می‌شد، یک آقای گویی همیشه راهنمایی‌اش می‌کرد. برای دیدن این جهان خیالی، برای روبه‌روشدن با آنچه در خیابان‌هایی دور از خانه ما می‌گذشت و برای دانستن اینکه زندگی یکباره زیروبر می‌شود، پنجره‌ای سیاه و سفید بود. یادنگار کودکی‌ام از آن پنجره با خبرهای اعتراض و انقلاب مردم، ناهمانندی یا همانندی‌های میان نهمای آن قاب با آنچه در کوچه و خیابان‌های زندگی‌مان در جریان بود، آمیخته است. روزهایی که چشم‌به‌راه جلوی تلویزیون می‌نشستم تا آهنگ آغاز برنامه کودک نواخته شود. آن آهنگ، مجریان دوست‌داشتنی که انگار خویشاوندان زندگی ما بودند. برنامه‌هایی که در دوران کودکی و نوجوانی از تلویزیون تماشا کردیم، از بهترین سایه‌روشن‌های زندگی من و هم‌نسل‌هایم است. «محله برو بیبا»، «محله بهداشت»، «درون و برون» و... همه روایت‌هایی که از زندگی و برای زندگی واقعی بودند. روزگاری تلویزیون و رادیو، برای پرورش فرهنگی برنامه می‌ساخت. در آن روزگار هم انتقادهایی به برخی از برنامه‌ها بود؛ اما در مقایسه با برنامه‌های امروز، پیشرو بود. تنها ما نبودیم که از تماشا‌ی تلویزیون و گوش‌دادن به قصه‌های رادیو دنیای دیگر می‌ساختیم. جوانان و بزرگسالان هم در این تجربه شریک بودند. سریال‌هایی که ساخته می‌شد و در تلویزیون به نمایش می‌آمد، برگرفته از زندگی مردم با بازنمایی روایت زیسته باارزش بودند و به‌سادگی می‌توانستند مخاطبان‌شان را درگیر روایت کنند. ما

هنوز هم آوا و نهمای برنامه‌های صبح‌های جمعه را دوست داریم. هنوز هم منتظرم سریال‌هایی مانند سربداران، هزاردستان، روزی روزگاری، خانه سبز، آینه و... را در تلویزیون ببینم. اینها فقط چون که یادنماهای (نوستالژی‌های) دوران کودکی، نوجوانی و جوانی ما هستند، به یاد نمانده. در قیاس امروز و دیروز است که ما دیروز را انکار جست‌وجو می‌کنیم. این مقایسه برای آنهایی که به یاد دارند، گویای درهم‌ریختن سبکی از زندگی ایرانی خویشاوندی، همسایگی و شهروندی در آن خانه‌ها و دالان‌هاست که امروز کلنگی تلقی شده، درهم‌کوبیده و غبارگرفته می‌شوند. بزرگ‌نمایی نیست، اگر گفته شود هنوز هم برنامه‌هایی که در دهه‌های گذشته ساخته شده، طرفدار دارند و مخاطبان اصلی تلویزیون تماشاگرانی هستند که از یکی، دو شبکه تلویزیونی این سریال‌ها و برنامه‌ها را می‌بینند. سال‌هاست صداسویما دیگر تنها رسانه در دسترس و تنها پنجره به گوناگونی نیست. رسانه‌های جهانی از مرزها گذر کرده و ماهواره‌ها امواج را جهانی کرده‌اند. پس از آن هم شبکه مجازی

هفت‌نویشت

در جست‌وجوی دیروز

روی شبکه جهانی فراگیر شد و رقیبی همه‌جا حاضر در خفا و عیان است. صداسویما برای جذب مخاطب بیشتر و رقابت با شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای تلاش کرده است که شمار و گوناگونی شبکه‌های تلویزیونی را گسترش دهد. شبکه‌هایی که برای هرکدام کارکردی هم

تعریف شده است؛ ولی آیا توانسته به نسبت گسترش شبکه‌ها در بالا بردن آمار بینندگان خود موفق عمل کند؟ می‌توان گفت که تلویزیون از این نظر موفق نبوده است و بیشتر تک‌برنامه‌ها هستند که مخاطب را نگه می‌دارند. سلیقه‌ای عمل‌کردن بعضی از مدیران سبب شده برنامه‌سازانی که بازوان اصلی تولید هستند، از کار دلسرد شوند و این شاید یکی از دلایل اصلی در کاهش مخاطب و آسیب به کیفیت برخی برنامه‌های تلویزیون باشد. دگرگونی‌های راهبردی و درگیر ریزه‌کاری‌ها شن هم به این مسئله دامن زده است. مدیران تلویزیون به این موضوع توجه کرده‌اند که چرا در تعطیلات نوروز، بیشتر مردم پای برنامه‌های تلویزیون می‌نشینند؟ رقابت برای جذب مخاطب بیشتر، سازندگان این برنامه را مجبور می‌کند که کار نویی بیاورند؛ اما گوناگونی و پرشماربودن برنامه‌هایی که ۱۵ روز آغازین سال یا در روزهای ماه مبارک رمضان در تلویزیون دیده می‌شود، باعث می‌شود مخاطبان بتوانند چند برنامه درخور توجه را در شبکه‌ها ببینند؛ اما آیا این رویکرد در دیگر روزهای سال هم وجود دارد؟ تلویزیون به اندازه‌ای که شبکه‌ها را گسترش داده است، نتوانسته محتوا تولید کند. اگر هم گوناگونی در تولید دیده می‌شود، به قدری کیفیت ندارد که توانایی جذب داشته باشد. شاید گفته شود گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های مجازی اشتیاق مردم به تلویزیون را کم کرده است؛ ولی به نظر می‌رسد دلیل چیز دیگری هم است. نه‌تنها تولیدهای تلویزیون هم‌زمان با رشد سلیقه مردم بالنده نشده؛ بلکه گاهی فاصله معنادار با زندگی راستین مردم هم داشته است. این روزهای مرداد روز صداسویماست؛ جامعه ما هنوز هم با همه کاستی‌ها، هنگامی که ارج و قدر ببیند و از حال‌وروش پرسیده شود، پاسخ سلام نهادی مثل صداسویما را به درود و سلام داده است. جامعه از برنامه‌سازی شعاری دلزده است؛ ولی برایش میهن و تاریخ و فرهنگش ارجمند است. شاید بهتر باشد در روز بزرگداشت صداسویما، مدیران در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌های‌شان با درنگ در داشته‌های مشترک بازنگری کنند. درها را به روی هم‌سازان کاربلد باز کرده و به آنها اعتماد کنند. مردم به دنبال برنامه‌هایی هستند که برخاسته از فرهنگ و تمدن خودشان باشد، در آنها را بگویند و دل آنها را شاد کند. اگر که خودمان با هم و در کنار هم باشیم، از بیرون این خانه کسی به‌سادگی نمی‌تواند نما و نوایی دیگر سر دهد؛ ولی اگر از این خانه سهم بسیاری از مردم پای دالان باشد و زندگی و اندوه و شادی‌شان را در این جام جهان‌نما نبینند، شاید آن وقت روزبه‌روز بیشتر فاصله بیفتد. صداسویما جام زندگی‌نمای مردم که باشد، رسانه‌ای ملی برای در کنار هم بودن است.

روزش کرامی

روایت

وسترنی دیگر از دولت بی‌قانون آمریکا

جاهل، مغرور، یاوه‌گو

ماتر می‌شود. حال جشن باشکوه ناوینسنس پس از کشتار ۲۹۰ مسافر یک هواپیمای غیرنظامی در مأموریت پشتیبانی از صدام را ببینید و انگشتان به علامت پیروزی گرفته این شخص و فضای پاکوبی نیروی دریایی آمریکا در این بندر نظامی. فکر کنید ما در زمان کشتار مردم آمریکا در جنایت برج‌های دوقلو چنین جشنی برای قاتلان عرستانی‌شان می‌گرفتیم... تجربه‌ای شخصی از خود می‌گویم؛ در جنگ ایران و عراق دیده‌بانی بودم در شهر محاصره‌شده آبادان و وظیفهام انهدام توپخانه‌هایی بود که مردم محاصره‌شده شهرم را بی‌هیچ ترحمی زیر آتش قرار داده و می‌کشتند. سال‌ها بعد از جنگ اتفاقی با افسر توپخانه عراقی که اکنون دکتر جراح در بیمارستان بغداد شده بود، روبه‌رو شدم. او گفت که سال‌هاست که شب‌ها خواب ندارد و من به او گفتم اگر در لحظه شلیک به شهرم اوامر را اجرا می‌کردی، از تو دلگیری ندارم؛ ولی اگر در همان لحظه شلیک از شادی به بالا و پایین می‌پردی، این را نمی‌توانم ببخشم. چون صدام می‌تواند بر سرت تفنگ بگذارد؛ ولی هرگز نمی‌توانسته از تو بخواهد که از ته دل شاد باشی. به‌رحال کاپیتان ویل راجرز مدال ابراز شجاعت در عملیات نظامی‌اش را می‌بعدتر، از دولتمردان آمریکایی گرفت. به همین علت است که دولت آمریکا تاکنون دو بار به‌پای عزای ملت ایران در مرگ مسافران هواپیمای ایرباس و اوراکرنی به جشن و پایکوبی پرداخته، درست برعکس رفتار ملت ما که در زمانی‌که تروریست‌های وابسته به دولت عربستان، دو‌برخ تجارت جهانی را با کارکنان بی‌گناهِش نابود کردند و مردمان ایران به منظور انسانیت و همدردی برای این بی‌گناهان شمع‌ها روشن کردند که شاید بعدها به علت همین انسانیت منع ورود مردم کشورم به جای اتباع عربستانی در خنده‌دارترین جوک دنیا به خاک کشور آمریکا کلید خورد. به علت این حجم از تجزیهات گرفته که ما مردم ایران از هم‌اکنون منتظر انتشار خبر است که مدال شجاعت خلبان اف ۱۵ از دست ترامپ در مراسم باشکوه در کاخ سفید هستیم. ملت آمریکا به شما هم توصیه می‌کنم مانند حضرت مسیح از دست چنین دولتمردانی که تزریق مواد ضدقوونی را برای رفع مشکل ویروس کرونا توصیه می‌کنند، گریزان شده و پا به فرار بگذارید. این‌ توصیه را برای حفظ جان خود و خانواده‌های‌تان حتما جدی بگیرید....

حق‌بان

حیران در هزارتوی قانون‌گذاری



یکی از امور روزانه افرادی که با حقوق و قضا سروکار دارند، خواندن «روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران» است که به موجب قانون مدنی به‌عنوان مرجع رسمی نشر قوانین و مقررات در نظر گرفته شده. البته ندیای فناوری کار را آسان کرده و کل روزنامه به شکل رایگان از طریق سایت www.rtk.ir برای عموم مردم در دسترس است. روز پنجشنبه دوم مرداد متنی با عنوان «مصوبه فرایند و مرجع تدوین سند ملی مد و لباس» منتشر شد که قابل تأمل به نظر می‌رسد.

متن مصوبه از این قرار است: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارتخانه‌های صمت، اقتصاد و دارایی و در راستای اجرای اقدام ملی ۱۴ ذیل راهبرد کلان ۵ نقشه مهندسی فرهنگی کشور و با توجه به مفاد بند ۲ شق (الف) ماده‌واحده وظایف و ترکیب اعضای ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور (مصوب جلسه ۲۴۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷) سند ملی مد و لباس را با رعایت چارچوب تدوین اسناد ملی حوزه فرهنگ تدوین و به ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور ارائه نماید؛ با امضای اسحاق جهانگیری به‌عنوان رئیس ستاد هماهنگی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور.

برای رازگشایی و روشن‌شدن موضوع و فهم جایگاه مصوبه بهتر است هریک از نهاده‌ا و اصطلاحات آن را یک‌به‌یک و جداگانه بررسی کنیم: نخست، شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ خوشبختانه این شورا در عرصه عمومی شناخته شده و تشکیلاتی است که در سال ۱۳۵۹ به دستور بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ابتدا به صورت ستاد و سپس در سال ۱۳۶۳ با شکل شورا تشکیل شد. این نهاد در ۱۶ دی ۱۳۷۶ با گذراندن مصوبه «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی»، موقعیت خود را این‌گونه تعریف کرد: شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است.

دوم، نقشه مهندسی فرهنگی کشور؛ متن مفصلی که در اواخر سال ۱۳۹۱ با هدف سیاست‌گذاری کلان و به‌عنوان سندی بالادستی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، این سند «مهندسی فرهنگی» را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرایند بازرطراحی، اصلاح و ارتقای شئون و مناسبات نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور براساس فرهنگ مهندسی‌شده با توجه به شرایط، ویژگی‌ها و مقتضیات ملی و جهانی است.»

سوم، ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور؛ این نهاد با تصویب ماده‌واحد «وظایف و ترکیب اعضای ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور» در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۳ تشکیل شد که هدف اصلی آن تقسیم‌کار ملی و ایجاد هماهنگی برای ایجاد نقشه مهندسی فرهنگی کشور در سطح ملی و استانی و پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای تحقق آن در قالب برنامه‌های پنج‌ساله و قوانین بودجه سالانه کشور است. ریاست آن برعهده رئیس‌جمهور یا معاون‌اول اوست که به همراه ۹ نفر دیگر از شخصیت‌های حقیقی با حقوقی در حوزه فرهنگی تشکیل می‌شود. بعدها عبارت «و راهبری اجرا» به‌عنوان این ستاد اضافه شد.

چهارم، آیین‌نامه داخلی ستاد هماهنگی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور؛ آیین‌نامه‌ای در ۱۳ ماده و دو تبصره که در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۸ توسط ستاد هماهنگی برای تنظیم امور داخلی این نهاد تصویب و با امضای رئیس ستاد (اسحاق جهانگیری) ابلاغ شده است. مجوز تصویب این آیین‌نامه در ماده‌واحده ایجاد ستاد پیش‌بینی شده بود.

پنجم، مصوبه فرایند و مرجع تدوین سند ملی مد و لباس؛ با این مقدمات می‌توان عنوان مصوبه را فهم کرد: متنی که ستاد هماهنگی و راهبری اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور بر مبنای آیین‌نامه داخلی خود و در راستای عملیاتی‌کردن بخشی از سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور تدوین کرده است، قانون اساسی ایران نیز مانند دیگر دموکراسی‌ها اصل تفکیک قوا را پذیرفته است. اصل ۵۷ قانون اساسی قوای حاکم را شامل مقننه، مجریه و قضائیه می‌داند. در اصل ۵۸ به‌صراحت بیان شده اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب ملت تشکیل می‌شود. اگر قانون‌گذاری را وظیفه مجلس شورای اسلامی و تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل قوانین را در صلاحیت هیئت وزیران بدانیم، اساسا با توجه به روح قانون اساسی، اصل ستاد هماهنگی و مصوبات آن چه جایگاهی دارد؟ این حجم تورم در قانون‌گذاری، ایجاد نهاد در نهاد بدون مبنای روشن و دخالت در قلمروهای شخصی افراد با مفهوم «نظام حقوقی» همخوانی ندارد.